

متن پرسش

با سلام: عدم توجه کافی به پشت قضایایی که اکنون در حال وقوع اند (چه در عرصه ذهنی و چه در عرصه عینی) چه قضایای خوشایند و چه ناخوشایند! کفر است، با توجه به لفظ کفر که پوشانیدن تعمدی است!! و بزعم قرآن این پدیده، یعنی عدم توجه به آخر امر_اثراتی به همراه دارد، که آن برگشتن به گذشته ایی است که حقیقتاً معدوم است! زندگی با عدمیات! و این خسران عظیم است آل عمران «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَزِدُّوكُمْ عَلَىٰ أَغْقَابِكُمْ فَانقَلِبُوا خَاسِرِينَ» ای اهل ایمان! اگر از کافران فرمان برید، شما را به [عقاید و روش های کافران] گذشتگان بازمی گردانند، در نتیجه زیانکار خواهید شد. (۱۴۹) اگر «تطيعوا الذين كفروا» را در حد اطاعت از کافران و کافران را مختص انسانهایی که دارای عقاید خاص و یا عدم اعتقاد موافق با ما فرض کنیم، قرآن را تنزل نداده ایم بلکه تجافی داده ایم، این قطع از معارف بلند بالای قرآن است. لذا بنظر می آید بزرگترین چالش امروز دوستداران و محققان و مترجمان و مفسران قرآن، برای رهایی بخشی معارف قرآن از دام اوهام و تقصیرات و غرض ورزی هاست! لذا مهم است که ابتدا بدانیم حقیقتاً کافر کیست و پدیده کفر برخواسته از کیست و چیست؟ آیا دلیل کفر مربوط به دلایل محیطی است یا برخواسته اراده شخصییست؟ بدون ایجاد حد مرز مشخص میان این الفاظ بظاهر بدیهی ولی بغایت در پس پرده ابهام، فهم، تفهیم قرآن چیزی جز بی ارزش کردن قرآن نیست. ها کذا در خصوص جهاد تبیین از موضوع انقلاب ما با چالشی اینچنین روبرو هستیم، که اگر تبیین ناصواب صورت پذیرد، تیشه به ریشه انقلاب است! نه تبیین ارزش انقلاب.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظر می آید در همین رابطه رهبر معظم انقلاب در کار فرهنگی و جهاد تبیین، موضوع بازتولید مفاهیم را به میان آوردند تا واژه های معنوی حیات فعال و اشارات معنوی خود را محفوظ بدارند وگرنه به جهت کثرت استفاده در امور روزمره از طراوت و زنده بودن آنها کاسته می شود. موفق باشید